

### متن پرسش

سلام استاد: حتی نمیدونم ارسال این سوال دردی رو دوا میکنه یا نه. استاد به یه نقطه ای رسیدیم که هیچ جا هیچ آرامشی وجود نداره. خانواده به نحوی، جامعه به نحوی با آدم جنگ دارن و درون خود آدم به نحوی جنگ به پاست. جنگی هایی که دائم درش شکست می‌خوریم و هیچ راه نجاتی هم پیدا نمیشه. زندگی همه هم همینطوره و هیچ کس راضی نیست چون داریم از همه طرف زخم می‌خوریم. دیگه نه اعتقادامون برامون کارایی دارن نه قدرت بدنی و فکرمون. خانواده مدام دارن سر جزیی ترین چیز حمله میکنن و تمام قدرت روحی آدم رو به افسردگی و خوددرگیری میکشونن. خانواده هایی که حقوق بگیر نیستن دائم توش دعواست چون حتی اگر سر کار هم برن باز احساس امنیت روانی ندارن که پول بهشون میرسه. چیزی که تو خانواده های کارمند دیده نمیشه غالباً. جامعه فقط برای افراد خلاق جای پیشرفت داره و برای افراد ساده هیچ جایی نیست.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! می‌توانستیم راهی را در پیش گیریم که جهان کیفی و افق کیفیت‌ها مقابل‌مان گشوده شود و از آن غفلت کردیم و راه‌کار عبور از این مشکلات، جز همان برگشت به جهان کیفیت‌ها نیست. نکاتی که در کتاب «با دعا در آغوش خدا» مطرح شده. موفق باشید